

An Analysis of the Socio-cultural Preventive Measures against Tendency towards Committing Theft in Sanandaj

Saeed Khani

Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Sociology, University of Kurdistan, Kurdistan, Sanandaj, Iran. s.khani@uok.ac.ir

Farshid Khezri

PhD Student in Social Problems, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
farshidkhezri@gmail.com

Hosein Mohammadzadeh

Assistant Professor of Sociology, Department of Social Sciences, University of Payam-Noor, Kurdistan, Sanandaj, Iran h.mohammadz11@gmail.com

Parviz Sobhani

MA in Sociology, University of Kurdistan, Kurdistan, Sanandaj, Iran.
psobhani63@gmail.com

Abstract

Kurdistan is one of the provinces with low level of theft occurrences. Considering the theories based on cultural elements and components and adopting quantitative approach and survey method, this study aimed at identifying the socio-cultural preventives of tendency towards committing theft. The statistical population of the study included the citizens, experts, law enforcement experts, and cultural affairs experts of different organizations in Sanandaj from which 265 persons were selected as the sample. The results showed that the citizens' beliefs in religious teachings, their adherence to the teachings of the Holy Qur'an, Sharia affairs, and Halal- and -Haram; observing Islamic ethics, social control, and self-control; respecting the collective values; the rule of law; high social security in the province; high level of contentment; familialism and family orientation; patience, tolerance, and fatalism; socioeconomic homogeneity of the society ; and citizens' awareness of the crimes were among the most important preventive measures against the

occurrence and/or less tendency to committing theft in Sanandaj. In sum, the results of the study indicate a high level of effectiveness of socio-cultural preventive measures against tendency towards committing theft in this region. Although the context of each issue or problem and its solutions are different, the results of this study support the effectiveness of relying on culture and its elements in reducing crimes and in establishing security in the society, especially in vulnerable ones.

Keywords: *socio-cultural preventive, self-control, the tendency towards committing theft*



تحلیل بازدارنده‌های فرهنگی - اجتماعی گرایش به ارتکاب سرقت در سنندج^۱

سعید خانی

نویسنده مسئول، استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران s.khani@uok.ac.ir

فرشید خضری

دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

farshidkhezri@gmail.com

حسین محمدزاده

استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، کردستان، سنندج، ایران

h.mohammadz11@gmail.com

پرویز سبحانی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران psobhani63@gmail.com

چکیده

استان کردستان یکی از استان‌های کشور با سطح پایین وقوع سرقت است. این مطالعه با هدف شناخت بازدارنده‌های فرهنگی - اجتماعی گرایش به ارتکاب سرقت بر اساس نظریه‌های مبتنی بر عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی و با استفاده از رویکرد کمی و روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان، خبرنگاران، و کارشناسان امور انتظامی و فرهنگی سازمان‌های مختلف مرکز استان، سنندج، بود که ۲۶۵ نفر از آنان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که عواملی مانند معتقد بودن شهروندان به آموزه‌های دینی، پایبندی به قرآن و امور شرعی، اخلاق‌مداری و پایبندی به حلال و حرام، کنترل اجتماعی و خود-کنترلی و احترام به ارزش‌های جمعی، قانون‌گرایی، امنیت اجتماعی بالای موجود در استان، قناعت بالا، خانواده‌گرایی، داشتن صبر و بردباری و تقدیرگرایی، یکدست بودن جامعه از لحاظ اقتصادی - اجتماعی و آگاهی

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

مقاله حاضر بخشی از نتایج یک طرح پژوهشی با عنوان «شناخت عوامل فرهنگی مؤثر بر پایین بودن وقوع سرقت در استان کردستان» است که در سال ۱۳۹۴ و با حمایت دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی نیروی انتظامی استان کردستان به انجام رسیده است. بدین‌وسیله از حمایت‌های آن دفتر و نظرات ارزشمند داوران محترم مقاله قدردانی می‌شود.

شهروندان از جرائم از جمله مهم‌ترین بازدارنده‌های وقوع یا گرایش کمتر به ارتکاب سرقت محسوب می‌شوند. در مجموع، نتایج مطالعه بیانگر اثرگذاری بالای ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی در جهت بازدارندگی از گرایش به ارتکاب سرقت در این منطقه از کشور می‌باشد. اگرچه بستر هر موضوع با مسأله و راه‌حل‌های آن متفاوت است، اما نتایج این تحقیق تکیه بر فرهنگ و عناصر آن را در کاهش جرایم و برقراری امنیت در جامعه به‌ویژه در نقاط آسیب‌پذیر تصریح می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بازدارنده فرهنگی - اجتماعی، خود-کنترلی، گرایش به ارتکاب سرقت، بازدارنده‌های اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۳۰ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۸

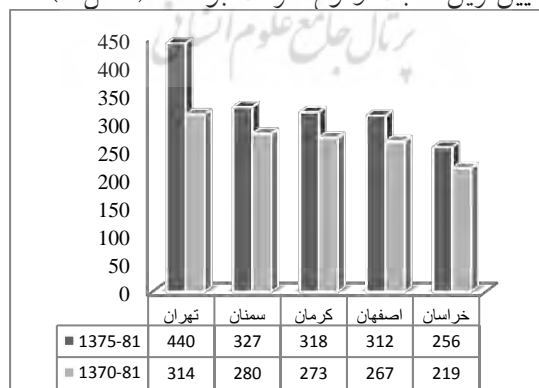
فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۵۵-۱۸۴

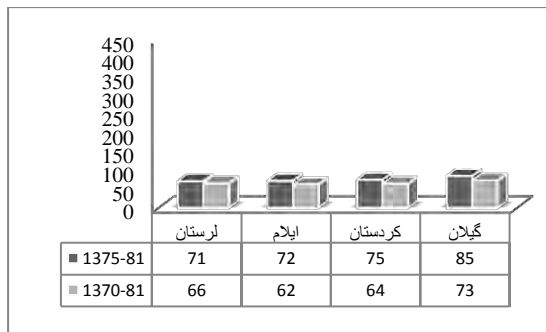


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آمارها حکایت از آن دارد که سرقت یکی از جرایم شایع در ایران است. ایران با ۱۲۲۷۵۰ مورد سرقت در سال، رتبه بیست و سوم را در بین کشورهای دنیا داراست (صدیق سروسناتی، ۱۳۸۳: ۸۶). همچنین، طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران به ازای هر صدهزار نفر در کشور در سال ۱۳۸۰، ۲۴۸ فقره سرقت صورت گرفته و این آمار در سال ۱۳۹۴ به ۹۷۴ فقره رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). با این وجود، توزیع نسبت سرقت در بین استان‌های کشور متفاوت است. در دوره زمانی ۱۳۸۱-۱۳۷۰، استان‌های تهران، سمنان، کرمان، اصفهان و خراسان همواره دارای بالاترین میانگین وقوع سرقت و استان‌های ایلام، لرستان، کردستان و گیلان دارای پایین‌ترین نسبت وقوع سرقت در کشور بوده‌اند (شکل ۱). در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰ نیز، استان‌های تهران، سمنان، البرز، خراسان رضوی و قم دارای بالاترین میانگین وقوع سرقت و استان‌های سیستان و بلوچستان، همدان، اردبیل، گیلان و کردستان دارای پایین‌ترین نسبت وقوع سرقت بوده‌اند (شکل ۲).

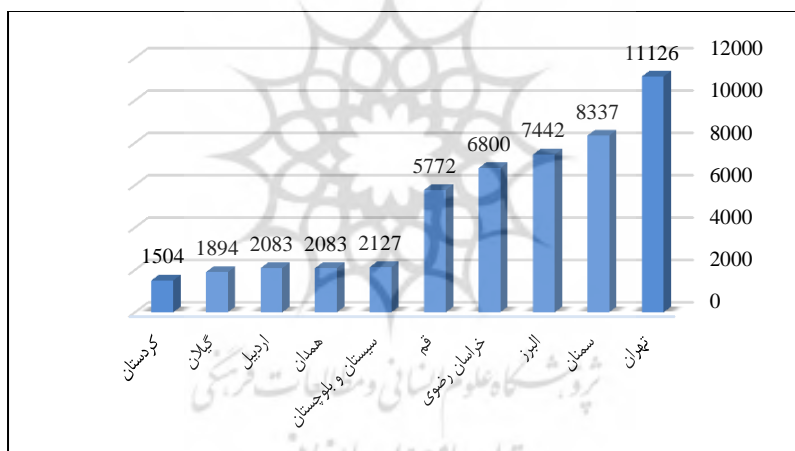




شکل ۱. تعداد وقوع سرقت به ازای صد هزار نفر جمعیت در استان‌ها طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۰ به ترتیب

بیشترین و کمترین

منبع: پردازش بر اساس (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۷۸؛ صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۳؛ مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، ۱۳۸۳)



شکل ۲. تعداد سرقت به ازای صد هزار نفر جمعیت در پنج استان رتبه اول و رتبه آخر از لحاظ وقوع،

سال‌های ۹۵-۱۳۹۰

منبع: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵

مطابق با آمارهای فوق، وقوع سرقت در برخی از استان‌های کشور یک مسأله مهم اجتماعی است. وقوع سرقت در استان کردستان نیز شایع است، اما همان‌طور که مشاهده شد، یکی از استان‌های با پایین‌ترین نسبت وقوع محسوب می‌شود لذا، پایین بودن نرخ وقوع سرقت در استان کردستان، این پرسش را به ذهن متبادر

می‌سازد که چه عواملی در پایین بودن میزان وقوع و گرایش کمتر به ارتکاب آن نقش داشته یا دارند؟

سرقت همچون بسیاری از جرایم دیگر، تحت‌تأثیر عوامل مختلف فردی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی است. پژوهش‌های انجام‌گرفته بیانگر آن است که عوامل و سازوکارهایی مانند سرمایه‌ی اجتماعی (Moore & Recker, 2013؛ Roh & Lee, 2013؛ چلبی، ۱۳۹۴)، نابرابری (Jongmook, 2008)، فقر (چلبی، ۱۳۸۴)، بیکاری (Altindag, 2012)، جابه‌جایی جمعیت (فیلد، ۱۳۸۴)، کارآمدی جمعی و کنترل (Sampson, Raudenbush & Felton, 1997)، اصول اخلاقی (Wikström, 2014)، خودکنترلی^۱ و کنترل اجتماعی^۲ و ... از جمله دلایل وقوع جرم و به‌خصوص سرقت است. پژوهش حاضر موضوع پایین‌بودن سرقت را با رویکردی فرهنگی - اجتماعی به بررسی گذاشته و به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که بازدارنده‌های فرهنگی - اجتماعی گرایش کمتر به ارتکاب سرقت در استان کردستان کدامند؟

۱. مبانی نظری

۱-۱. فرهنگ و برخی از مظاهر و کارکردهای آن در پیشگیری از وقوع جرم

اهالی فرهنگ و متخصصان علوم انسانی اتفاق نظر دارند که ظرفیت لایه زیرین یا ساحت معنوی فرهنگ است که قادر است، آراسته‌شدن به فضایل اخلاقی و صفات معنوی چون خیرخواهی، ایثار، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، آرمان‌خواهی، کمال‌جویی، خلاقیت، دانش‌طلبی، عزت‌نفس، مقابله با خرافات و موهومات و تحجر فکری را موجب شده یا آن‌ها را تقویت کند (عزیزآبادی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۱).

فرهنگ، آموزه‌ها و کارکردهای متنوعی دارد. یکی از ابعاد این آموزه‌ها، جهت دینی فرهنگ همچون نماز، ترویج اخلاق فاضله و امر به معروف و نهی از منکر است که می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم (سرقت) نقش داشته باشد. نماز از آموزه‌های

1. Self-control

2. Social Control

فرهنگی مهم از جهت دینی (اسلامی) است که می‌تواند در مقابل هوای نفس آدمی - که هر لحظه او را به غفلت و سرکشی سوق داده و به افزون‌طلبی و تمامیت‌خواهی فرا می‌خواند - به عنوان عاملی قوی و بازدارنده جلوی رذایل را سد کرده و فرد را به سمت عزت سوق دهد (صالحی و صادقی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲).

۲-۱. نظریه پیوند اجتماعی هیرشی

هیرشی^۱، نظریه خود را در کتاب «علل کج‌روی»^۲ مطرح کرد و پرسش اصلی‌اش این بود که «چرا با این همه فرصت و فشار برای ارتکاب جرم، اکثر ما در اغلب مواقع پیرو قانون هستیم؟» (Hirschi, 1969: 151). مفهوم اساسی نظریه کنترل هیرشی، پیوند^۳ افراد به جامعه است. هیرشی این فرضیه را مطرح می‌کند که تمام افراد بالقوه قانون‌شکن‌اند، اما بیشتر آنها کنترل می‌شوند، زیرا می‌ترسند که رفتارهای غیرقانونی به روابط آنها با دوستان‌شان، خانواده، همسایه و کارفرمایان‌شان آسیب برساند. بدون این پیوندهای اجتماعی یا روابط و بدون حساسیت نسبت به منافع دیگران، فرد آزادانه مرتکب فعالیت‌های کج‌روانه می‌شود. او نشان می‌دهد که در بین تمام گروه‌های اجتماعی، افرادی که به طور ضعیف به جامعه متصل شده باشند، امکان دارد، قربانی الگوهای مجرمانه شوند (Reid, 2000: 165).

۳-۱. نظریه‌های کنترل

دورکیم نظریه کنترل اجتماعی را فرموله کرد. او دو سازوکار کنترل اجتماعی را پیشنهاد کرد: دلبستگی به دیگران و محدودیت‌های اجتماعی (دورکیم، ۱۳۷۶: ۷۴). از نظر دورکیم، اجتماعی شدن عبارت است از دلبستگی به گروه به مثابه پایه آن، یعنی شکلی از شناسایی افراد با نهادهای اجتماعی. این نوع از دلبستگی نیازمند به افراد است، که به نوبه خود، منبعی برای تعهد به اصول اخلاقی افراد یک گروه است. اگر دلبستگی نخستین سازوکار اجتماعی شدن است، نیازهای افراد به محدودیت‌های اجتماعی کمک می‌کند که اجتماعی شدن کارآمد باشد. آن‌ها

1. Hirschi

2. Causes of Delinquency

3. Bound

نیروی‌هایی هستند که خویشتن‌داری‌ها^۱ و حدود را بر رفتار افراد اعمال می‌کنند. نای مفهوم محدودیت‌های اجتماعی را با متمایز ساختن آن از کنترل‌های مستقیم - غیرمستقیم، درونی - بیرونی و رسمی - غیررسمی شرح داد (Nye, 1958: 145). اخیراً، سامپسون و لائوب^۲ با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی به مفهوم پیوندها و کنترل اجتماعی به شیوه نای اشاره می‌کنند (Sampson & Laub, 1993: 286). گاتفردسون^۳ و هیرشی بر بُعد روان‌شناختی خودکنترلی در توضیح جرم در نظریه‌شان تأکید دارند. این نظریه دو پیش‌فرض اصلی دارد: خودکنترلی پایین، مهم‌ترین عامل علی در توضیح رفتارهای ضداجتماعی است و در افراد ضداجتماعی ثابت باقی می‌ماند (Gottfredson & Hirschi, 1990: 147).

لی‌بلانک^۴ رویکردی نظام‌مند در زمینه کنترل و کچروی را پیش می‌گیرد. در نظریه او چهار سازوکار کنترل شخصی وجود دارد: پیوند خوردن^۵، دگرخواهی^۶، الگوسازی^۷ و محدود شدن^۸؛ و دو وضعیت که آن‌ها را تعدیل می‌کند: پایگاه اجتماعی و ظرفیت زیستی (Le Blanc, 1997; 2006). پیوند خوردن به شیوه‌های مختلفی که به وسیله آن افراد با هم درمی‌آمیزند، اشاره دارد. دگرخواهی، بلوغی روان‌شناختی است، رشد طبیعی و تفکیک که خودکنترلی و شخصیت را در طول زمان مشخص می‌کند و الگوسازی وجود الگوهای موافق اجتماعی است که هم‌نوایی و فرصت‌ها را که برای افرادی که در دسترس هستند، شکل می‌دهند. محدود شدن تنظیم هم‌نوایی به واسطه محدودیت‌های متنوع مستقیم و غیرمستقیمی است که به وسیله نهادهای مختلف اجتماعی، مانند ابزارهای اجتماعی شدن اعمال می‌شوند. این چهار سازوکار از طریق فرایندهای یادگیری فعال می‌شوند. تأثیر

-
1. Restraints
 2. Sampson & Laub
 3. Gottfredson
 4. Le Blanc
 5. Bonding
 6. Allocentrism
 7. Modeling
 8. Constraining

فرایند یادگیری بر رفتار کج‌روی به نظریه‌های همنشینی تفاوتی یا یادگیری اجتماعی اشاره می‌کند (Sutherland & Cressey, 1960; Akers, 1998). سازوکارهای پیوند خوردن، الگوسازی و محدودشدن به کنترل اجتماعی اشاره می‌کنند درحالی‌که سازوکار دگرخواهی، خودکنترلی را تعیین خواهد کرد.

۴-۱. نظریه انتقال فرهنگی یا همنشینی تفاوتی ادوین ساترلند

ساترلند^۱ اظهار می‌دارد که کج‌روی از طریق یک جریان «همنشینی تفاوتی»^۲ یاد گرفته می‌شود. فرضیه اصلی او این است که رفتار کج‌روی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همنشینی با دیگران آموخته می‌شود (ابراهیمی مینق، ۱۳۸۰: ۹۶). همان‌طوری که مردم در مصاحبت و معاشرت با هم‌نویان در طول جریان جامعه‌پذیری که بر احترام و مقبولیت هنجارها تکیه دارد، متمایل به هم‌نوایی می‌شوند، اگر جریان جامعه‌پذیری تخطی از هنجارها را بیاموزد، افراد به سوی رفتار کج‌روی کشانده خواهند شد. پس بنابراین نظریه، نزدیکان و همسالانی که بزهکار باشند، تأثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش کج‌روی می‌گذارند و فرد را به سوی کج‌روی سوق می‌دهند.

هاگان و مک‌کارثی^۳ نیز، بیان می‌کنند که: «ساترلند، در تئوری خود بر اصل یادگیری تأکید می‌کند. بدین معنا که افراد از طریق پیوند و همنشینی با دوستان کج‌رو به سمت کج‌روی کشیده می‌شوند» (Hagan & McCarthy, 1992: 538).

۵-۱. نظریه محرومیت نسبی رابرت گِر

محرومیت نسبی عبارت است از اختلاف میان انتظارات مشروع و واقعیت (گِر، ۱۳۷۷: ۵۴). محرومیت نسبی زمانی به وجود می‌آید که فرد چیزی را مشاهده کند که خودش ندارد، اما دیگری دارد و آن فرد مایل است که آن چیز را داشته باشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۴۴). اساس این تئوری بر مقایسه بین افراد و گروه‌ها قرار دارد. هنگامی که افراد طبقات پایین یک جامعه، شرایط زندگی خود را با اقشار مرفه

-
1. Sutherland
 2. Differential Association
 3. Hagan & McCarthy

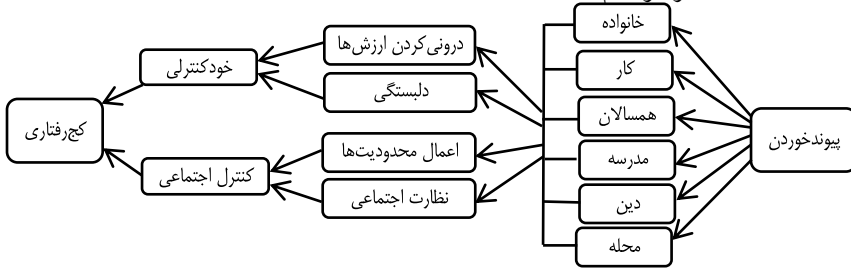
مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت، سرخوردگی، ناکامی و ناخرسندی می‌کنند. ناکامی مستمری که ناشی از این مقایسه است، سبب ایجاد پرخاشگری، خصومت سرکوب‌شده و جبران و این امر موجب بروز جرایم در جامعه می‌شود (محسنی تبریزی و پروین، ۱۳۸۸: ۴۰).

۲. چارچوب نظری

نظریه‌هایی که مرور شدند با مفاهیم مختلف - که هم‌پوشانی قابل توجهی با هم داشتند - بر نقش بازدارنده‌های فرهنگی - اجتماعی در پیشگیری از کج‌رفتاری از جمله سرقت تأکید می‌کردند. هیرشی بر نقش پیوندهای اجتماعی تأکید داشت و عناصر پیوندهای اجتماعی در نظریه او دلبستگی، تعهد، مشارکت یا مشغولیت و باور بودند. دورکیم به صورت هم‌زمان بر نقش تعیین خودکنترلی و کنترل اجتماعی به مثابه تنظیم رفتار اشاره می‌کند. سازوکارهای کنترل برای او عبارت بودند از دلبستگی به دیگران و محدودیت‌های اجتماعی. سازوکارهای کنترل برای لی‌بلانک عبارت بودند از پیوند خوردن، دگرخواهی، الگوسازی و محدود شدن و تعدیل‌کننده‌های آن‌ها همچون پایگاه اجتماعی و ظرفیت زیستی و سازوکار فعال شدن آن‌ها عبارت بودند از یادگیری. در نظریه همنشینی تفاوتی ساترلند نیز سازوکار یادگیری اجتماعی مهم بود. به عقیده او اگر فرد با دیگران کج‌رو همنشینی و تعامل داشته باشد، کج‌رفتاری را از آنها می‌آموزد. براساس نظریه گِر نیز محرومیت نسبی که ریشه برخی از کج‌رفتاری‌هاست، ناشی از مقایسه خود با دیگران در یک جامعه با ساخت نابرابر است؛ اما در جوامعی که میزان نابرابری در آن‌ها کمتر است، انسان‌ها کمتر دچار مقایسه اجتماعی و لذا محرومیت نسبی می‌شوند.

براساس آنچه مرور شد لایه‌های مختلفی وجود دارند که در ترکیب با هم و به واسطه سازوکارهایی که تولید می‌کنند، باعث پیشگیری از کج‌رفتاری‌های اجتماعی از جمله ارتکاب سرقت می‌شوند. نخست، ما، جامعه و نهادهای اجتماعی آن همچون خانواده، دین، همسالان، مدرسه و کار را داریم؛ دوم فرد را داریم؛ سوم، عواملی که بین فرد و جامعه پیوند برقرار می‌کنند و چهارم،

سازوکارهایی که در این میان به وجود می‌آیند و مانع کج رفتاری می‌شوند. این لایه‌ها در مدل زیر ترسیم شده‌اند:



شکل ۳. مدل چندسطحی بازدارنده‌های فرهنگی-اجتماعی کج‌روی

مدل بالا مدلی اجتماعی- فرهنگی است. مدل ادعا می‌کند؛ سازوکارهای نزدیک پیشگیری از کج رفتاری از جمله سرقت عبارتند از خودکنترلی و کنترل اجتماعی. این سازوکارها بازدارنده‌های نزدیک هستند و در خلأ تولید نمی‌شوند بلکه وابسته به بستر فرهنگی- اجتماعی هستند. پیوند خوردن به دیگران و چیزها، بستر شکل‌گیری آن‌ها هستند. آنگاه که افراد به دیگران پیوند می‌خورند، ارزش‌ها یا فضایل اخلاقی را درونی می‌کنند؛ ارزش‌هایی همچون دگرخواهی، صداقت، تلاش و کوشش، وجدان کاری، احترام به حقوق دیگران و عدم تعرض به جان و مال دیگران. این ارزش‌ها در صورتی که درونی بشوند و در طول نسل‌ها انتقال یابند، به عنوان سرمایه متراکم شده عمل می‌کنند که به مثابه راهنمای کنش عمل می‌کنند. همچنین پیوند خوردن به دیگران احساس دل‌بستگی ایجاد می‌کند. این احساس به مثابه منبع عمده خودکنترلی عمل می‌کند.

مسیر دوم به واسطه کنترل اجتماعی است. کنترل اجتماعی نشان‌دهنده ظرفیت نهادهای اجتماعی برای نظارت بر رفتار، ظرفیت آن‌ها برای اجتماعی کردن اعضا و اعمال محدودیت‌ها در مقابل کج رفتاری‌هاست. پس بنا به این تعریف، کنترل اجتماعی به خودکنترلی پیوند می‌خورد. لذا دیگر کنترل اجتماعی، کنش اتفاقی برای به قاعده درآوردن رفتار نیست، بلکه ظرفیت گروه‌ها برای نظارت بر رفتار افراد، اعمال محدودیت‌ها و اجتماعی کردن اعضایش است. در نهایت، ذکر دو نکته در ارتباط با مدل ارائه شده حائز اهمیت است؛ نخست، هر پیوند خوردنی

به نهادها، سازوکارهای یادشده را تولید نمی‌کند، پس لازم است از ماهیت پیوندهای اجتماعی پرسش کنیم، چراکه هر نوع پیوندی تولید رفتارهای موافق اجتماعی نمی‌کند. دوم، در جامعه‌ای که نابرابری زیاد است به واسطه مقایسه‌های اجتماعی که افراد می‌کنند، احساس محرومیت دارند، در این شرایط سازوکار درونی کردن ارزش‌ها با اختلال مواجه می‌شود، چراکه ارزش‌هایی که از سوی نهادهای اجتماعی و عوامل آن‌ها مانند معلمان، روحانیون، والدین و غیره ترویج می‌شوند، مقبولیت اجتماعی‌شان کاهش می‌یابد.

۳. پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌های زیادی درباره جرم و سرقت انجام شده است. علی‌وردی‌نیا (۱۳۸۳) با مقایسه استان‌های کشور نشان داده است که نظارت اجتماعی غیررسمی، میزان جمعیت و اعتیاد، تغییرات نرخ سرقت در بین استان‌های کشور را توضیح می‌دهند. سجودی (۱۳۹۲) با بررسی عوامل مؤثر بر سرقت از اماکن نشان داده است که بین سرقت از اماکن عمومی - خصوصی و میزان تحصیلات، مذهب، دلبستگی به خانواده، اوقات فراغت و کنترل بیرونی رابطه معناداری وجود داشته است. سجودی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای دیگر با بررسی عوامل مؤثر بر نگرش به سرقت در شهر رشت نشان داده است که بین جنسیت، میزان درآمد خانواده، کنترل درونی و کنترل بیرونی و نگرش به سرقت، رابطه معناداری وجود دارد و بین میزان درآمد خانواده و نگرش به سرقت، رابطه مستقیم و ضعیف وجود دارد. شمس‌الدینی و جمینی (۱۳۹۶) به مطالعه فضایی سرقت در میان استان‌های کشور پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد به لحاظ شاخص‌های سرقت؛ سه استان سمنان، البرز و تهران دارای بیشترین میزان سرقت و استان‌های کردستان، زنجان و همدان کمترین میزان سرقت را داشته‌اند به گونه‌ای که شکاف عمیقی به این لحاظ میان استان‌های کشور وجود دارد. مغانی‌رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داده‌اند دلایل اصلی سرقت در شهر کرمان؛ بیکاری، فقدان یا کمبود مراقبت‌های پلیسی، موقعیت مکانی، بافت کالبدی - محیطی و عامل زمان است. وطنی و همکاران (۱۳۹۶) با مقایسه دو گروه سارقان و شهروندان عادی نشان داده‌اند، تفاوت

معناداری میان دو گروه به لحاظ میزان پیوند اجتماعی، انزوای اجتماعی و میزان ازهم‌گسیختگی خانوادگی وجود دارد. کمربیگی و درویشی (۱۳۹۸) با مطالعه ویژگی‌های سارقان استان ایلام نشان داده‌اند، بیشتر سارقین مرد در سنین ۲۱-۳۰ سال هستند و بخش زیادی از آنان بیکار و دارای وابستگی به موادمخدر بوده‌اند. خضری و همکاران (۱۳۹۹) نشان داده‌اند توزیع خوشه‌ای جرم در سطح محله را می‌توان با ویژگی‌های ساختاری محله‌ها یعنی فقر، ناپایداری مسکونی، ناهمگنی قومی، نحوه‌ی استفاده از زمین - استفاده ترکیبی - و کالبد ازهم‌گسیخته و سازوکارهای برآمده از این ویژگی‌ها یعنی کارآمدی جمعی و نحوه اجتماعی‌شدن ساکنان توضیح داد، به گونه‌ای که ویژگی‌های ساختاری محله‌ها با تضعیف کارآمدی جمعی ساکنان و اختلال در اجتماعی‌شدن مؤثر کودکان، بستر را برای جرم از جمله سرقت فراهم می‌کنند.

۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، کمی از نوع پیمایشی و بر اساس طرح مقطعی است که با فن پرسش‌نامه خوداظهاری انجام گرفته است. به عبارت دیگر، برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، به کمک نظریه‌ها و مفاهیم و متغیرهای استخراج‌شده از آن‌ها، از پرسش‌نامه‌ای با سؤالات مشخص استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش؛ تمامی کارکنان دولت دارای مدرک تحصیلی حوزوی و دانشگاهی، اعم از دانشگاهیان، کارشناسان مذهبی و فرهنگی و مسئولان سیاسی و امنیتی شاغل در ادارات، دستگاه‌ها و سازمان‌های شهر سنندج (همچون سازمان حج و زیارت، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، استانداری، اداره کل کار و امور اجتماعی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل اوقاف و رده‌های آگاهی و معاونت اجتماعی فرماندهی نیروی انتظامی) است که تعداد آن‌ها بر اساس بخش نیروی انسانی سالنامه آماری استان کردستان در سال ۱۳۹۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)، به تقریب ۸۵۰ نفر برآورد شد. در برخی از منابع، حدنصاب‌هایی برای تعیین اندازه

نمونه پیشنهاد شده است. یکی از این منابع، جدول مشهور کرجسی و مورگان^۱ است (Krejcie & Morgan, 1970). بر اساس این جدول و مطابق با جامعه آماری، حجم نمونه ۲۶۵ نفر خبره و کارشناس تعیین شد. با توجه به بکر بودن مطالعه و عدم وجود چارچوب و عناصر نمونه‌گیری، از روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند و مطلعین کلیدی برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است. لازم به ذکر است که از تعداد ۲۶۵ پرسش‌نامه اختصاص‌یافته به جامعه آماری، تعداد ۲۳۴ پرسش‌نامه جمع‌آوری شده و قابلیت پردازش داشته است.

مفهوم یا متغیر اصلی پژوهش علاوه بر ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌گویان، بازدارنده‌های فرهنگی اجتماعی ارتکاب سرقت بوده است که با مفاهیم و متغیرهای مندرج در جدول شماره ۱ سنجیده شد.

جدول ۱. نحوه عملیاتی کردن مفهوم بازدارنده‌های فرهنگ - اجتماعی

منابع	متغیر (گویه)	مفهوم	منابع	متغیر (گویه)	مفهوم
Gottfredson & Hirschi, Nye, 1990 و رجیمی و ادریسی، ۱۳۸۹	<ul style="list-style-type: none"> - اعتقاد به ارزش‌ها و هنجارهای دینی - پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای دینی - ترس از بدنامی در جامعه - تربیت و آموزش صحیح فرزندان - وجود فرهنگ کار و تلاش - وجود فرهنگ قناعت - عدم طمع و طمع‌ورزی - عدم وجود راحت‌طلبی - شناخت حق و حقوق خود و دیگران - رعایت حقوق دیگران - تعهد و مسئولیت‌پذیری - رعایت اصول اخلاقی و ارزش‌های پذیرفته‌شده - نوع دوستی و احترام به حقوق هم‌نوع - الگو قرار دادن آسان‌های درستکار - احساس تعلق به جمع و دوری از فردگرایی - اعتقاد به رازق بودن 	<ul style="list-style-type: none"> مهار و خویشتن‌داری 	<ul style="list-style-type: none"> (کلدی و وزیرپاک، ۱۳۸۸؛ صالحی و صادقی راد، ۱۳۹۰؛ رجیمی و ادریسی، ۱۳۸۹؛ Reid, Sampson & Le :Laub, 1993 (Blanc, 1997 	<ul style="list-style-type: none"> - آگاهی از قوانین - رعایت قوانین - آگاهی از جرم بودن سرقت - توجه به آموزش‌های همگانی - توجه به آموزش‌های رسمی - پایبندی به قرآن و اصول شرعی - اعتقاد و پایبندی به حلال و حرام - اعتقاد به معروفات و منکرات - پایبندی به معروفات و منکرات - اعتقاد به ناظر بودن خداوند بر اعمال ما - اعتقاد به وجود خدا و نقش مؤثر آن در زندگی - عمل به واجبات شرعی - دینداری - روحیه جمع‌گرایی و مشارکت جمعی در امور - قوی بودن مبانی اعتقادی و دینی - امنیت اجتماعی - احساس امنیت اجتماعی - احترام و پایبندی به ارزش‌های خانوادگی - مراقبت والدین از رفتار فرزندان - پیوندهای اجتماعی عمیق و ماندگار 	کنترل و پیوند اجتماعی

احساس محرومیت نسبی - آگاهی از زشت و مذموم بودن سرقت - اعتقاد به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی - پابندی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی - آگاهی بالا - روابط اجتماعی سالم	- تحصیلات - عدم وجود شکاف طبقاتی - تقدیرگرایی (اعتقاد به سرنوشت)	(کلدی و وزیرپاک، ۱۳۸۸؛ محسنی‌تبریزی و پروین، ۱۳۸۸)	خدانود - تقدیرگرایی (اعتقاد به سرنوشت) - زندگی در حال و عدم نگرانی درباره آینده
	- آگاهی از زشت و مذموم بودن سرقت - اعتقاد به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی - پابندی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی - آگاهی بالا - روابط اجتماعی سالم	(کلدی و وزیرپاک، ۱۳۸۸؛ سلیمی و داوری، ۱۳۸۱؛ Hagan & McCarthy, 1992)	

جدول ۲. سنجش پایایی مفاهیم (شاخص‌های) پژوهش از طریق آلفای کرونباخ

مفاهیم (متغیرها)	تعداد گویه	مقدار آلفا
کنترل و پیوند اجتماعی	۲۰	۰٫۸۹۱
احساس محرومیت نسبی	۳	۰٫۸۴۰
مهار و خویشتن‌داری	۱۸	۰٫۸۷۶
همنشینی و ارتباط	۵	۰٫۹۱۷

همچنین برای اعتبار صوری پرسش‌نامه، سؤالات با متخصصان امر در میان گذاشته شد. علاوه بر این، در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی استفاده شده است و این تحلیل نیز (همان‌گونه که بعداً نشان داده می‌شود)، اعتبار سازه، پرسش‌نامه را به تأیید رسانده است. برای سنجش پایایی مفاهیم و شاخص‌های مورد مطالعه، از مقیاس آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۲ خلاصه شده است. آلفای تمامی متغیرها، بالاتر از ۷۰ درصد بوده و حاکی از پایایی و سازگاری درونی بالای گویه‌هاست.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌گویان

بر اساس یافته‌ها، ۸۴ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۱۴ درصد زن و حدود ۲ درصد نیز، جنسیت خود را مشخص نکرده‌اند. میانگین سن پاسخ‌گویان، حدود ۳۷ سال است. تحصیلات ۲ درصد از پاسخ‌گویان زیردیپلم، ۶ درصد دیپلم، ۹ درصد فوق‌دیپلم، ۳۴ درصد لیسانس، ۲۴ درصد فوق‌لیسانس، ۱۲ درصد دکتری، ۳ درصد حوزوی و حدود ۱۱ درصد نیز تحصیلات خود را مشخص نکرده‌اند. بیشترین تعداد پاسخ‌گویان با ۱۲۳ نفر و معادل حدود ۵۲/۵ درصد نظامی، به ویژه کارشناسان و خبرگان مرتبط با مباحث سرقت، پیشگیری، آگاهی و کلاتری‌ها

بوده‌اند. حدود ۱۵/۵ درصد از پاسخ‌گویان نیز کارمندان دولت، حدود ۱۶ درصد مدرسان دانشگاه‌های سطح شهر سندج و بقیه سایر وضعیت‌های شغلی را دارا بوده‌اند. ضمن اینکه، ۵ درصد از پاسخ‌گویان هم، وضعیت شغلی خود را بیان نکرده‌اند. میانگین سابقه کار پاسخ‌گویان نیز، حدود ۱۴/۵ سال بوده است.

۵-۲. پاسخ به سؤال اصلی تحقیق بر اساس آزمون تحلیل عاملی

همان‌طور که گفته شد، در پرسش‌نامه با ۴۴ گویه از پاسخ‌گویان پرسیده شد که «فکر می‌کنید ویژگی‌های [...] تا چه حد باعث شده است که مردم استان کردستان مرتکب سرقت نشوند؟ یا گرایش کمتری به ارتکاب آن داشته باشند؟» برای تحلیل داده‌های این سؤال، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. شرط انجام تحلیل عاملی، اطمینان یافتن از این مسأله است که آیا می‌توان داده‌های موجود را تقلیل و به چندین عامل پنهانی کاهش داد یا خیر؟ بدین منظور، از دو آزمون شاخص کفایت نمونه‌گیری کیزر-میر-اولکین^۱ و کرویت بارتلت^۲ استفاده شد.

در جدول ۳، نتایج آزمون‌های KMO و کرویت بارتلت به منظور شناخت امکان انجام تحلیل عاملی روی داده‌ها ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که مقدار آزمون KMO برابر با ۰/۸۶۶ است. چون مقدار آزمون از ۰/۷۰ بیشتر است، می‌توان گفت که داده‌ها، قابلیت کاربرد در تحلیل عاملی را دارند. همچنین طبق جدول، نتیجه آزمون بارتلت با مقدار (۸۵۰۸/۹۲۳) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است و این نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، ماتریس همانی و واحد نیست.

جدول ۳. آزمون تناسب داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی

عناصر آزمون کیزر مایر اولکین و بارتلت (KMO and Bartlett)	
۰/۸۶۶	شاخص کفایت نمونه‌برداری کیزر مایر اولکین
۸۵۰۸/۹۲۳	آزمون کرویت بارتلت مقدار خی دو
۹۴۶	درجه آزادی
۰/۰۰۰	معنی‌داری

جدول ۴، مقادیر ویژه، درصد از واریانس و درصد واریانس تراکمی هریک از عامل‌ها

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy
2. Bartlett's Test of Sphericity

در تبیین مجموع تغییرات ۴۴ گویه (متغیر) را نشان می‌دهد. این جدول از چهار بخش عامل (تعداد اولیه عامل‌ها در اولین مرحله تحلیل عاملی)، مقادیر ویژه اولیه (درصد از واریانس و درصد تراکمی از واریانس)، مجموع مجذورات بارهای عاملی استخراج‌شده (توزیع واریانس بعد از استخراج عامل‌ها) و مجموع مجذورات بارهای عاملی چرخش‌یافته (توزیع واریانس بعد از چرخش عامل‌ها) تشکیل شده است. طبق نتایج مندرج در جدول، η عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک هستند. بنابراین، از مجموع ۴۴ گویه (متغیر)، می‌توان η عامل ساخت و آن‌ها را به این η عامل با فضاهای مفهومی خاص تقلیل داد. سایر عامل‌های با مقادیر کمتر از یک نیز از مجموع عامل‌ها حذف شده‌اند. بنابراین، می‌توان از ترکیب این ۴۴ گویه، ساختار جدیدی بر اساس عامل‌ها با ترکیب جدید طراحی و بر اساس آن به تحلیل داده‌ها پرداخت. همچنین، سهم هر عامل در تبیین واریانس ۴۴ متغیر مربوط به عوامل بازدارنده سرقت، متفاوت و به صورت نزولی است. یعنی عامل اول بیشترین سهم (۴۰ درصد با مقدار ویژه ۱۷/۶) و عامل نهم کمترین سهم (۲/۴ درصد با مقدار ویژه ۱/۰۴) را در تبیین واریانس ۴۴ متغیر داشته‌اند. در مجموع، تمامی η عامل با مقادیر ویژه بالاتر از ۱ توانسته‌اند حدود ۷۴/۵ درصد از واریانس ۴۴ متغیر بازدارنده یا کاهش‌دهنده وقوع سرقت در استان را تبیین کنند.

جدول ۴. مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تراکمی تبیین‌شده از مجموعه داده‌ها توسط هر عامل

مجموع مجذورات بارهای عاملی چرخش‌یافته			مجموع مجذورات بارهای عاملی استخراج‌شده			مقادیر ویژه اولیه			عامل
درصد تراکمی از واریانس	درصد از واریانس	کل واریانس	درصد تراکمی از واریانس	درصد از واریانس	کل واریانس	درصد تراکمی از واریانس	درصد از واریانس	کل واریانس	
۱۸,۹۰۰	۱۸,۹۰۰	۸,۳۱۶	۴۰,۰۵۲	۴۰,۰۵۲	۱۷,۶۲۳	۴۰,۰۵۲	۴۰,۰۵۲	۱۷,۶۲۳	۱
۳۷,۰۹۶	۱۸,۱۹۷	۸,۰۰۷	۴۹,۹۱۳	۹,۸۶۲	۴,۳۳۹	۴۹,۹۱۳	۹,۸۶۲	۴,۳۳۹	۲
۴۴,۸۸۶	۷,۷۹۰	۳,۴۲۷	۵۵,۵۱۳	۵,۶۰۰	۲,۴۶۴	۵۵,۵۱۳	۵,۶۰۰	۲,۴۶۴	۳
۵۱,۲۹۴	۶,۴۰۸	۲,۸۲۰	۶۰,۴۱۴	۴,۹۰۱	۲,۱۵۶	۶۰,۴۱۴	۴,۹۰۱	۲,۱۵۶	۴
۵۷,۳۹۱	۶,۰۹۶	۲,۶۸۲	۶۳,۸۳۰	۳,۴۱۶	۱,۵۰۳	۶۳,۸۳۰	۳,۴۱۶	۱,۵۰۳	۵
۶۳,۲۴۲	۵,۸۵۱	۲,۵۷۵	۶۶,۷۶۲	۲,۹۳۱	۱,۲۹۰	۶۶,۷۶۲	۲,۹۳۱	۱,۲۹۰	۶
۶۷,۹۳۷	۴,۶۹۵	۲,۰۶۶	۶۹,۵۰۸	۲,۷۴۶	۱,۲۰۸	۶۹,۵۰۸	۲,۷۴۶	۱,۲۰۸	۷
۷۱,۳۸۴	۳,۴۴۷	۱,۵۱۷	۷۲,۰۸۵	۲,۵۷۸	۱,۱۳۴	۷۲,۰۸۵	۲,۵۷۸	۱,۱۳۴	۸
۷۴,۴۵۹	۳,۰۷۵	۱,۳۵۳	۷۴,۴۵۹	۲,۳۷۴	۱,۰۴۵	۷۴,۴۵۹	۲,۳۷۴	۱,۰۴۵	۹

جدول ۵، ماتریس همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌های استخراج‌شده با مقادیر ویژه

بالاتر از یک بعد از چرخش را نشان می‌دهد. در این جدول، مقادیری که در هر عامل به صورت برجسته مشخص شده‌اند، مؤید آن است که می‌توانند با همدیگر تشکیل عامل مربوطه را بدهند. طبق نتایج مندرج در جدول، بالاترین بار ۱۲ گویه (متغیر) اول روی عامل اول است. این گویه‌ها (متغیرها) عبارتند از: ۱- اعتقاد و پایبندی به حلال و حرام، ۲- اعتقاد به معروفات و منکرات، ۳- آگاهی از زشت و مذموم بودن سرقت، ۴- اعتقاد به وجود خدا و نقش مؤثر آن در زندگی، ۵- پایبندی به معروفات و منکرات، ۶- پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای دینی، ۷- پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، ۸- اعتقاد به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، ۹- اعتقاد به ارزش‌ها و هنجارهای دینی، ۱۰- اعتقاد به ناظر بودن خداوند بر اعمال ما، ۱۱- پایبندی به قرآن و اصول شرعی و ۱۲- ترس از بدنامی در جامعه. مجموعه این متغیر (گویه)ها را می‌توان تحت عنوان *عامل دینداری از بُعد اعتقادی* بازشناخت.

در وهله دوم، بالاترین بار ۱۳ گویه (متغیر) بعدی روی عامل دوم قرار دارد. این گویه‌ها (متغیرها) عبارتند از: ۱- نوع دوستی و احترام به حقوق همنوع، ۲- مراقبت والدین از رفتار فرزندان، ۳- تربیت و آموزش صحیح فرزندان، ۴- احترام و پایبندی به ارزش‌های خانوادگی، ۵- تعهد و مسئولیت‌پذیری، ۶- رعایت اصول اخلاقی و ارزش‌های پذیرفته‌شده، ۷- شناخت حق و حقوق خود و دیگران، ۸- رعایت حقوق دیگران، ۹- الگو قرار دادن انسان‌های درستکار، ۱۰- احساس تعلق به جمع و دوری از فردگرایی، ۱۱- روابط اجتماعی سالم، ۱۲- وجود فرهنگ کار و تلاش، و ۱۳- اعتقاد به رازق بودن خداوند. مجموعه این متغیر (گویه)ها را می‌توان تحت عنوان *عامل کنترل اجتماعی و خودکنترلی* نام نهاد.

در مرتبه سوم، بالاترین بار چهار گویه (متغیر) بعدی روی عامل سوم قرار دارد. این گویه‌ها (متغیرها) عبارتند از: ۱- آگاهی از قوانین، ۲- رعایت قوانین، ۳- توجه به آموزش‌های رسمی و ۴- توجه به آموزش‌های همگانی. مجموعه این متغیر (گویه)ها را می‌توان تحت عنوان *عامل قانون‌گرایی* نام نهاد.

در مرتبه چهارم، بالاترین بار سه گویه (متغیر) بعدی روی عامل چهارم قرار دارد. این گویه‌ها (متغیرها) عبارتند از: ۱- امنیت اجتماعی، ۲- احساس امنیت

اجتماعی و ۳- تحصیلات و آگاهی بالا. مجموعه این متغیر (گویه)ها را می‌توان تحت عنوان عامل امنیت اجتماعی نام نهاد.

در مرتبه پنجم، بالاترین بار چهار گویه (متغیر) بعدی روی عامل پنجم قرار دارد. این گویه‌ها (متغیرها) عبارتند از: ۱- دینداری، ۲- عمل به واجبات شرعی، ۳- قوی بودن مبانی اعتقادی و دینی و ۴- روحیه جمع‌گرایی و مشارکت جمعی در امور. مجموعه این متغیر (گویه)ها را می‌توان تحت عنوان عامل دینداری از بُعد رفتاری نام نهاد.

در مرتبه ششم، بالاترین بار سه گویه (متغیر) بعدی روی عامل ششم قرار دارد. این گویه‌ها (متغیرها) عبارتند از: ۱- وجود فرهنگ قناعت، ۲- عدم طمع و طمع‌ورزی و ۳- عدم وجود راحت‌طلبی. مجموعه این گویه (متغیر)ها را می‌توان تحت عنوان عامل قناعت نام نهاد.

در مرتبه هفتم، بالاترین بار سه گویه (متغیر) بعدی روی عامل هفتم قرار دارد. این گویه‌ها (متغیرها) عبارتند از: ۱- پیوندهای اجتماعی عمیق و ماندگار، ۲- تقدیرگرایی (اعتقاد به سرنوشت) و ۳- زندگی در حال و عدم‌نگرانی درباره آینده. مجموعه این متغیر (گویه)ها را می‌توان تحت عنوان عامل تقدیرگرایی نام نهاد.

و در مرتبه هشتم و نهم، بالاترین بار دو گویه (متغیر) بعدی به ترتیب روی عامل هشتم و نهم قرار دارد. این متغیرها به ترتیب عبارتند از: عدم وجود شکاف طبقاتی و آگاهی از جرم بودن سرقت. این متغیرها را می‌توان با عامل‌های یک‌دست بودن جامعه و آگاهی از جرایم نام‌گذاری کرد.

جدول ۵. ماتریس همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌های استخراج‌شده با مقادیر ویژه بالاتر از یک بعد از چرخش

عامل‌ها									متغیرها
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
				۰,۲۴۱		۰,۱۲۲	۰,۱۱۶	۰,۸۲۹	اعتقاد و پایبندی به حلال و حرام
-۰,۱۴۳		۰,۱۴۰				۰,۱۵۹	۰,۲۰۱	۰,۷۹۷	اعتقاد به معروفات و منکرات
۰,۲۲۳			۰,۱۹۱				۰,۱۴۹	۰,۷۷۳	آگاهی از زشت و مذموم بودن سرقت
۰,۲۴۵	۰,۱۴۸			۰,۱۸۲	۰,۱۵۳	۰,۱۰۸	۰,۱۸۲	۰,۷۶۵	اعتقاد به وجود خدا و نقش مؤثر آن در زندگی
-۰,۲۱۶	۰,۱۴۱	۰,۱۰۶		۰,۱۹۵		۰,۱۰۳	۰,۲۴۱	۰,۷۴۹	پایبندی به معروفات و منکرات
			۰,۱۷۳	۰,۱۰۱		۰,۲۰۴	۰,۲۳۹	۰,۷۲۸	پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای دینی
	-۰,۲۰۲			-۰,۱۰۲	۰,۱۳۰		۰,۲۳۳	۰,۷۲۸	پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی
-۰,۲۰۰	-۰,۲۲۴		۰,۱۲۰		۰,۱۴۳	۰,۱۸۷	۰,۳۱۷	۰,۷۱۹	اعتقاد به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی

۰,۱۸۷	۰,۷۱۲	۰,۱۸۷	۰,۱۲۵	۰,۳۳۹	۰,۱۲۸	-۰,۲۴۵	-۰,۱۷۴
۰,۱۵۷	۰,۲۰۳	۰,۱۵۷	۰,۱۹۶	۰,۱۳۳	۰,۱۱۹	۰,۳۱۸	۰,۳۱۸
۰,۲۵۴	۰,۶۷۹	۰,۲۵۴	۰,۳۴۰	۰,۱۲۸	۰,۲۸۶		
۰,۲۲۵	۰,۳۳۸	۰,۲۲۵	-۰,۳۵۴	۰,۱۵۷	-۰,۱۰۲	۰,۱۳۴	۰,۱۳۴
۰,۱۲۸	۰,۸۱۴	۰,۱۲۸	۰,۱۶۲	۰,۱۴۱	۰,۱۲۸	۰,۱۵۸	۰,۱۵۸
۰,۷۶۹	۰,۲۵۸	۰,۷۶۹					
۰,۷۵۱	۰,۲۹۰	۰,۷۵۱					
۰,۷۲۴	۰,۳۲۹	۰,۷۲۴					
۰,۷۲۵	۰,۲۰۱	۰,۲۱۹	۰,۳۲۶	۰,۲۰۱	۰,۱۷۲		
۰,۱۴۱	۰,۷۱۸	۰,۱۴۱					-۰,۱۵۲
۰,۳۰۵	۰,۷۱۱	۰,۳۰۵	۰,۱۵۲	۰,۲۹۸		-۰,۱۸۳	
۰,۳۳۸	۰,۶۳۹	۰,۳۳۸	۰,۱۹۶	۰,۲۸۰	۰,۱۹۱	-۰,۲۴۷	
۰,۱۵۵	۰,۶۱۶	۰,۱۵۵	۰,۱۶۷	۰,۳۷۷	۰,۱۱۴	۰,۳۵۴	
۰,۴۲۱	۰,۵۳۵	۰,۴۲۱	۰,۳۰۳	۰,۲۵۵	۰,۱۳۳		-۰,۱۱۱
۰,۱۵۵	۰,۲۶۹	۰,۱۵۵	۰,۱۵۱	۰,۱۰۹	۰,۴۰۱	۰,۲۲۲	۰,۱۸۳
۰,۳۲۸	۰,۴۵۱	۰,۳۲۸	۰,۱۹۶	۰,۲۸۰	۰,۲۵۴	۰,۱۵۲	-۰,۳۱۳
۰,۱۲۸	۰,۴۲۵	۰,۱۲۸	۰,۳۲۴	۰,۳۱۱	۰,۳۳۹	۰,۲۲۴	۰,۳۴۵
۰,۷۶۵	-۰,۳۱۷	۰,۷۶۵				۰,۱۷۵	
۰,۲۵۶	۰,۳۰۳	۰,۲۵۶	۰,۱۵۴	۰,۷۶۵			۰,۲۰۰
۰,۷۳۲	۰,۱۰۷	۰,۷۳۲	۰,۱۴۷	۰,۱۵۳	۰,۲۶۲		-۰,۱۱۱
۰,۵۳۲	۰,۲۳۸	۰,۵۳۲	۰,۱۹۹		۰,۲۴۵	-۰,۲۴۲	-۰,۳۳۰
۰,۲۰۳	۰,۱۱۵	۰,۲۰۳	۰,۸۵۵	۰,۱۰۱	۰,۱۶۰		
۰,۱۹۸	۰,۴۹۰	۰,۱۹۸	۰,۳۲۶	۰,۱۱۵	۰,۱۹۰	۰,۲۱۳	۰,۲۱۳
۰,۴۹۰	۰,۱۵۲	۰,۴۹۰	۰,۴۹۲		۰,۳۷۷		
۰,۳۳۵	۰,۲۳۱	۰,۳۳۵	۰,۷۷۲	۰,۱۹۴	۰,۲۲۵		
-۰,۱۲۲	۰,۲۱۱	-۰,۱۲۲	۰,۱۹۷	۰,۶۵۳	۰,۱۷۳	۰,۱۴۳	۰,۱۴۷
۰,۱۱۶	۰,۴۰۳	۰,۱۱۶	۰,۲۵۴	۰,۴۷۸	۰,۲۵۰	۰,۱۶۳	-۰,۱۱۷
۰,۱۵۹	۰,۴۰۳	۰,۱۵۹	۰,۳۴۰	۰,۴۴۹	۰,۱۴۱	-۰,۲۷۳	-۰,۲۴۸
۰,۳۴۶	۰,۲۲۴	۰,۳۴۶	۰,۱۴۶	۰,۱۶۴	۰,۷۱۱	۰,۲۰۵	-۰,۱۰۵
۰,۴۳۴	۰,۲۱۳	۰,۴۳۴	۰,۲۰۱	۰,۲۴۴	۰,۶۲۱	۰,۱۳۳	
۰,۴۴۴	۰,۱۴۹	۰,۴۴۴	۰,۳۱۳	۰,۵۸۳		۰,۱۹۸	
۰,۱۷۳	۰,۲۴۱	۰,۱۷۳	۰,۱۵۰	۰,۱۳۳	۰,۷۸۸		
۰,۱۸۰	۰,۱۳۳	۰,۱۸۰	۰,۲۱۹	۰,۳۱۶	۰,۳۱۶	۰,۲۲۸	۰,۱۰۲
۰,۴۱۳		۰,۴۱۳	-۰,۱۶۰	۰,۴۷۱	۰,۴۸۱	۰,۲۷۶	
۰,۲۳۶	۰,۲۴۳	۰,۲۳۶	۰,۳۲۶	۰,۱۳۶	۰,۱۴۹	۰,۷۵۱	
۰,۵۵۰	۰,۴۲۵	۰,۵۵۰	۰,۱۴۰				-۰,۵۵۵

* روش استخراج: تحلیل عوامل اصلی، روش چرخش: واریماکس با نرمال‌سازی کیزر، چرخش در ۲۵

عامل همگرا شده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش مدعی عدم وجود مسأله به ویژه از نوع سرقت‌های خرد در استان کردستان نیست.

اما فرارداشتن استان کردستان در پایین‌ترین جایگاه در بین استان‌های کشور از نظر وقوع سرقت به ویژه با توجه به فقر، محرومیت و عدم توسعه‌یافتگی استان، حکایت از ویژگی‌های خاص فرهنگی - اجتماعی حاکم بر این نقطه از کشور دارد که بازدارنده وقوع جرایمی چون سرقت است. در واقع، مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی - اجتماعی، گرایش به ارتکاب سرقت در میان مردم را در سطحی پایین نگه می‌دارد و مردم آن را همچون عملی قبیح می‌پندارند. طبق نتایج، عواملی مانند معتقد بودن به اصول و آموزه‌های دینی، پایبندی به قرآن و اصول شرعی، اخلاق‌مداری و پایبندی به حلال و حرام، خودکنترلی و کنترل اجتماعی بالای مردم و احترام آنان به ارزش‌های جمعی، قانون‌گرایی، امنیت اجتماعی بالای موجود در استان، قناعت و خانوادگی‌گرایی بالای مردم، داشتن صبر و بردباری و تقدیرگرایی، یکدست بودن جامعه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و آگاهی مردم از جرایم از جمله مهم‌ترین عوامل یا ویژگی‌های بازدارنده گرایش پایین‌تر به ارتکاب سرقت در استان محسوب می‌شوند.

مطابق با نظر پاسخ‌گویان، مردم کردستان اگرچه ممکن است از بُعد رفتاری و مناسکی، مذهبی به نظر نرسند، اما از بُعد اعتقادی و باورهای دینی پایبند بوده و به‌ویژه حرمت زیادی برای آموزه‌های شرعی، قرآن و سیره پیامبر (ص) و معصومین (علیهم‌السلام) قائل هستند. پاسخ‌گویان، همچنین به این نکته اذعان کرده بودند که به دلیل وجود خصلت فوق، مردم کردستان اعتقاد ویژه‌ای به حلال و حرام دارند و از این رو، سرقت از نگاه آنان یکی از راه‌های نامشروع رسیدن به مال بوده و به شدت در نگاه‌شان مذموم و نکوهیده و جزء گناهان و منکرات کبیره است. در زاویه‌ای دیگر، پاسخ‌گویان به اهمیت آبرو و کرامت‌نفس در میان مردم کردستان اشاره کرده بودند. پاسخ‌گویان اذعان می‌کردند که مردم کردستان مردمی سخت‌کوش بوده و برای زندگی آبرومندانه و شرافتمندانه اهمیت زیادی قائلند. در چارچوب نظری، این عناوین تحت عنوان‌هایی مانند کنترل اجتماعی و خودکنترلی از آن‌ها یاد می‌شود که عامل بازدارنده جرم است. این عوامل ریشه در اعتقادات دینی و مذهبی، نظارت خانواده و روابط آشنایی دارد که از منابع کنترل (خود و اجتماعی) هستند.

علاوه بر موارد فوق، پاسخ‌گویان به وجود ویژگی‌های دیگری در مردم کردستان

اشاره کرده بودند. آنها به کرات از فرهنگ غنی مردم استان، یعنی توجه به شیوه‌های زندگی مقبول و موردپذیرش مطابق با هنجارها، ارزش‌ها، رسوم، سنن، عادت‌ها، عُرف، مناسک و ... در میان مردم اشاره کرده و بر اصالت و ریشه‌داری ارزش‌ها و دست‌نخورده‌ماندن این ارزش‌ها در میان ساکنان اذعان می‌کردند. تمامی این ویژگی‌ها حاکی از نوعی یکدست‌بودن، هم‌رنگی و یکپارچگی فرهنگی در مردم است که هنوز گویای کارگزاری سنت‌ها در استان کردستان است که باز هم از منابع پیوندهای اجتماعی و کنترل است. البته در کنار عوامل یادشده، پاسخ‌گویان به وجود عوامل کنترل‌های رسمی، به ویژه حضور پُررنگ نیروهای انتظامی نیز اشاره کرده بودند.

نتایج فوق، اولاً با نتیجه مطالعات رحیمی و ادیسی (۱۳۸۹) و به ویژه محسنی‌تبریزی و پروین (۱۳۸۸) از جهات بسیاری انطباق دارند. ثانیاً، با بنیان‌های نظری مطالعه حاضر نیز تا حدود زیادی انطباق دارند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که چون مردم کردستان از پیوندهای اجتماعی بالایی مانند دلبستگی و تعلق خاطر به جمع، تعهد و مشغولیت اجتماعی برخوردار بوده و باورها و اعتقادات اجتماعی‌شان قوی است، پس نسبت وقوع سرقت یا تمایل به ارتکاب آن در مردم پایین است (مطابق با نظریه‌های کنترل و پیوند اجتماعی هیرشی). از طرف دیگر، از آنجا که در میان مردم کردستان تا حدودی یکپارچگی وجود داشته و جامعه به واسطه غلبه ارزش‌ها و هنجارهای جمعی و دینی هم‌شکل و یکدست است، کنترل اجتماعی از طریق کنترل‌های ارزشی و عاطفی (وجدان درونی) قوی بوده و در نتیجه، ارتکاب سرقت یا گرایش به ارتکاب آن در سطح پایینی قرار دارد. همچنین، از آنجا که در کردستان به خاطر نظارت خانواده و سایر افراد اجتماع و کارآمدی جامعه‌پذیری افراد، خودکنترلی و کنترل اجتماعی بالاست، پس تحمل افراد در برابر سختی‌ها، ناملايمات و شرایط بغرنج زندگی بیشتر شده و کمتر مستعد ارتکاب سرقت می‌شوند (نظریه‌های کنترل). به علاوه، از آنجا که مردم استان بیشتر در جهت هم‌نوایی با ارزش‌ها و هنجارهای مقبول جامعه حرکت می‌کنند، پس سرقت از نظرشان پدیده‌ای زشت و نکوهیده است و در نتیجه، تمایل‌شان به ارتکاب آن پایین است (نظریه انتقال فرهنگی ادوین ساترلند) و سرانجام، از آنجا که در استان کردستان شکاف طبقاتی در جامعه

بسیار زیاد نیست و مردم به لحاظ مالکیت ثروت و چیزهای باارزش تقریباً در وضعیت مشابهی قرار دارند، احساس محرومیت نسبی در میان مردم نسبتاً پایین بوده و در نتیجه، تمایل شان به ارتکاب سرقت پایین است (نظریه محرومیت نسبی).

به طور خلاصه، موضوع مقاله ناظر به توضیح علل فرهنگی پایین بودن نرخ سرقت ها بر اساس نظرات خبرگان در شهر سنندج بود. خبرگان یا کارشناسان شناخت دقیق تری از موضوعات و علل و عوامل آن در حوزه تخصصی خود دارند. گرایش به ارتکاب پایین سرقت در شهر سنندج و با احتیاط در استان کردستان با مجموعه ای از ویژگی ها و عناصر مثبت فرهنگی قابل توضیح و تحلیل است. به عبارت دیگر، پایداری و یکدستی شهروندان، پیوند آنان به نهادهایی همچون خانواده و پابندی آنها به ارزش های دینی، اخلاقی و اجتماعی و کنترل های برآمده از آنها توضیح دهنده مسأله سرقت است. نتایج مطالعه حاضر، تکیه بر بازدارنده های فرهنگی - اجتماعی و عناصر آن را در کاهش جرایم و در نتیجه ایجاد امنیت در جامعه به ویژه در نقاط آسیب پذیر تصریح می کند. البته با توجه به اینکه بستر هر موضوع یا مسأله و راه حل های آن متفاوت است و نوع نمونه گیری به کار گرفته شده در مطالعه حاضر نیز غیر احتمالی و هدفمند بوده است، بایستی در تعمیم نتایج به کل استان و نیز دیگر مناطق کشور جوانب احتیاط را در نظر گرفت.

منابع و ماخذ

- ابراهیمی مینق، جعفر (۱۳۸۰). بررسی سرقت از دیدگاه جامعه‌شناسی. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱(۳)، ۸۱-۱۰۶.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*. تهران: نشر نی، چاپ اول.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۴). *تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی*. تهران: نشر نی، چاپ اول.
- خضری، فرشید؛ اجتهادی، مصطفی؛ قادری، صلاح‌الدین (۱۳۹۹). موردپژوهی محله جرم خیز: ساختارها، فرایندها و سازوکارهای وقوع جرم در محله هرنندی شهر تهران. *رفاه اجتماعی*، ۲۰(۷۶)، ۲۷۱-۳۱۲.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۶). *تربیت و جامعه‌شناسی*. (ترجمه علیمحمد کاردان) تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- رحیمی، مهدی؛ ادریسی، افسانه (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر سرقت. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۴(۲۳)، ۸۹-۱۱۷.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). *توسعه و تضاد*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- سجودی، عادل (۱۳۹۲). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر نگرش به سرقت (مطالعه موردی در شهر رشت). *کارآگاه*، ۶(۲۲)، ۶۸-۹۴.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی کج‌روی*. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- شمس‌الدینی، علی؛ جمینی، داود (۱۳۹۶). *واکای فضایی جرم در استان‌های ایران با تأکید بر شاخص‌های سرقت*. *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۱(۲)، ۹۵-۱۰۶.
- صالحی، جواد؛ صادقی‌راد، الهام (۱۳۹۰). *آموزه‌های اسلامی؛ دریچه‌ای به سوی پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم*. *مهندسی فرهنگی*، ۶(۶۱ و ۶۲)، ۱۰-۲۰.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۷۸). *مطالعه جامعه‌شناختی میزان سرقت در استان‌های ایران*. تهران: معاونت پژوهش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
- علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۳). *تحلیل اجتماعی سرقت در ایران*. *مجله علوم اجتماعی*، ۱(۲)،

۱۶۵-۱۹۶.

فیلد، جان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی*. (ترجمه جلال متقی) تهران: انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول.

کلدی، علیرضا؛ وزیری پاک، رضا (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سرقت در ایران مورد ایستگاه راه آهن تهران بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵. *جامعه‌شناسی معاصر*، ۱(۳)، ۱۷۷-۱۹۳.

کمربگی، خلیل؛ درویشی، فرزاد (۱۳۹۸). سارقان خرد، ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنها مورد مطالعه: استان ایلام. *کارآگاه*، ۱۳(۴۹)، ۶۸-۹۱.

گر، تدا رابرت (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟* (ترجمه علی مرشدی‌زاده) تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.

محسنی تیریزی، علیرضا؛ پروین، ستار (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۳)، ۳۷-۵۰.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *سالنامه آماری استان کردستان، فصل نیروی انسانی*. بازیابی از <http://ostan-kd.ir/Files/1/92/Salname-Amari-90/index.html>

مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). *سالنامه آماری کشور، فصل امور قضایی*. تهران: ریاست جمهوری، سازمان برنامه و بودجه کشور.

مغانی رحیمی، بهنام؛ پورخسروانی، محسن؛ خداداد، مهدی (۱۳۹۶). ارزیابی توزیع فضایی و نقش محیط در وقوع جرم سرقت در مناطق چهارگانه شهر کرمان. *انتظام اجتماعی*، ۹(۴)، ۱۱۷-۱۳۸.

مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران (۱۳۸۳). مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد ۱۳۸۱؛ مسائل و جرائم مالی - اقتصادی و سرقت. تهران: انتشارات آگه، چاپ اول.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵). *آمار سرقت در استان‌ها*. بازیابی از <https://adadsara.ir>

وطني، امیر؛ وروایی، اکبر؛ فاطمی موحد، حمید (۱۳۹۶). مطالعه ماهیت و عوامل مؤثر بر وقوع سرقت. *انتظام اجتماعی*، ۹(۱)، ۱۲۷-۱۵۴.

Akers, R. (1998). *Social learning and social structure: A general theory of crime and deviance*. Boston: Northeastern University Press.

Altindag, D. T. (2012). Crime and Unemployment: Evidence from Europe. *International Review of Law and Economics*, 32(1), 145-157.

Gottfredson, M. R., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*. Stanford: Stanford University Press.

Hagan, J., & McCarthy, B. (1992). Streetlife and Delinquency. *British Journal of Sociology*, 43(4), 533-561.

- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley: University of California.
- Jongmook, C. (2008). Income Inequality and Crime in the United States. *Economics Letters*, 101(1), 31-33.
- Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30(1), 607-610.
- Le Blanc, M. (1997). A Generic Control Theory of the Criminal Phenomenon, the Structural and the Dynamical Statements of an Integrative Multilayered Control Theory. *Advances in Theoretical Criminology*, 7(14), 215-286.
- Le Blanc, M. (2006). Self-control and social control of deviant behavior in context: Development and interactions along the life course. In P.-O. H. Wikström, & R. J. Sampson, *The explanation of crime: Context, mechanisms and development (pathways in crime)* (pp. 195-242). Cambridge: Cambridge University Press.
- Moore, M. D., & Recker, N. L. (2013). Social Capital, Type of Crime, and Social Control. *Journal of Crime & Delinquency*, 62(6), 1-20.
- Nye, I. F. (1958). *Family relationships and delinquent behavior*. New York: Wiley.
- Reid, S. T. (2000). *Crime and criminology*. McGraw-Hill: Oxford University Press.
- Roh, S., & Lee, J. L. (2013). Social Capital and Crime: A Cross-national Multilevel Study. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 41(1), 58-80.
- Sampson, R. J., & Laub, J. H. (1993). *Crime in the making: Pathways and turning points through life*. Cambridge: Harvard University Press.
- Sampson, R. J., Raudenbush, S. W., & Felton, E. (1997). Neighborhoods and Violent Crime: A Multilevel Study of Collective Efficacy. *Science*, 277(5328), 918-924.
- Sutherland, E. H. (1947). *Principles of criminology*. Chicago: Lippincott Company.
- Wikström, P.-O. H. (2014). Why crime happens: A situational action theory. In G. Manzo, *Analytical sociology: Actions and networks* (pp. 74-94). Sussex: Wiley.

References

- Akers, R. (1998). *Social learning and social structure: A general theory of crime and deviance*. Boston: Northeastern University Press.
- Alivardinia, A. (1999). *Sociological study of theft rate in the provinces of Iran*. Tehran, Deputy of Research of the Police of the Islamic Republic of Iran. (in Persian).
- Alivardinia, A. (2004). Social analysis of theft in Iran. *Journal of Social Sciences*1(2): 165-196. (in Persian).
- Altindag, D. T. (2012). Crime and Unemployment: Evidence from Europe. *International Review of Law and Economics* 32(1), 145-157.
- Articles of the First National Conference on Social Harm in Iran, 2002: Financial-Economic Issues and Crimes and Theft (2004), Tehran, Agha Publications, First Edition. (in Persian).
- Chalabi, M. (2005). *Social analysis in the space of action*. Tehran, Ney Press. (in Persian).
- Chalabi, M. (2015). *Theoretical and comparative analysis in sociology*. Tehran, Ney Press. (in Persian).
- Durkheim, E. (1997). *Education and Sociology*. translated by Ali Mohammad Kardan, Tehran, University of Tehran Press. (in Persian).
- Ebrahimi Minq. J. (2001). Investigating theft from a sociological perspective. *Iranian Social Science Studies Quarterly* 1(3): 81-106. (in Persian).
- Field, J. (2005). *Social capital*. translated by Jalal Mottaghi, Tehran, Publications of the Higher Institute of Social Security Research. (in Persian).
- Ger, T. R. (1998). *Why Humans Rebel*. Translated by Ali Morshedizadeh, Tehran, Institute for Strategic Studies. (in Persian).
- Gottfredson, M. R., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*. Stanford: Stanford University Press.
- Hagan, J., & McCarthy, B. (1992). *Streetlife and Delinquency*. *British Journal of Sociology*43(4), 533-561.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley: University of California.

- Jongmook, C. (2008). Income Inequality and Crime in the United States. *Economics Letters* 101(1), 31-33.
- Kaldi, A., & Vaziripak, R. (2009). A study of social factors affecting robbery in Iran in the case of Tehran railway station between 2004 and 2006. *Journal of Contemporary Sociology* 1(3): 177-193. (in Persian).
- Kamarbaigi, K., & Darvishi, F. (2020). Minor thieves, their individual and social characteristics studied: Ilam province. *Detective Quarterl* 13(49): 68-91. (in Persian).
- Khezri, F., Ejtehad, M., & Qaderi, S. (2021). A case study of the crime-ridden neighborhood: Structures, processes, and mechanisms of crime occurrence in the Harandi neighborhood of Tehran. *refahj* 20(76) :271-312. (in Persian).
- Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement* 30(1), 607-610.
- Law Enforcement Force of the Islamic Republic of Iran (2016), Deputy of Plan, Program and Budget, Statistics Office. retrieved from: <https://adadsara.ir>
- Le Blanc, M. (1997). A Generic Control Theory of the Criminal Phenomenon, the Structural and the Dynamical Statements of an Integrative Multilayered Control Theory. *Advances in Theoretical Criminology* 7(14), 215-286.
- Le Blanc, M. (2006). Self-control and social control of deviant behavior in context: Development and interactions along the life course. In P.-O. H. Wikström, & R. J. Sampson, *The explanation of crime: Context, mechanisms and development (pathways in crime)* (pp. 195-242). Cambridge: Cambridge University Press.
- Moghani-Rahimi, R. B., Porkosravani, M., & Khodadadi, M. (2017). Evaluation of spatial distribution and the role of environment in the occurrence of theft in four areas of Kerman. *Social order* 9(4): 117-138. (in Persian).
- Mohseni-Tabrizi, A., & Parvin. S. (2010). Investigating the factors affecting adolescent theft (Case study: Kermanshah), *Applied Sociology* 20(35): 37-50. (in Persian).
- Moore, M. D., & Recker, N. L. (2013). Social Capital, Type of Crime, and Social Control. *Journal of Crime & Delinquency* 62(6), 1-20.
- Nye, I. F. (1958). *Family relationships and delinquent behavior*. New York: Wiley.
- Rafipur, F. (1998). *Development and conflict*. Tehran, Scientific and Cultural press. (in Persian).

- Rahimi, M., & Edrisi, A. (2010). Investigating the factors affecting theft. *Social Security Studies Quarterly* 4(23): 89-117. (in Persian).
- Reid, S. T. (2000). *Crime and criminology*. McGraw-Hill: Oxford University Press.
- Roh, S., & Lee, J. L. (2013). Social Capital and Crime: A Cross-national Multilevel Study. *International Journal of Law, Crime and Justice* 41(1), 58-80.
- Sajodi, A. (2012). Investigating sociological factors affecting attitudes toward robbery (Case study in Rasht). *Detective Quarterly* 6(22): 68-94. (in Persian).
- Salehi, J., & Sadeghirad, E. (2011). Islamic teachings; Towards social crime prevention. *Journal of Cultural Engineering* 6(61-62): 10-20. (in Persian).
- Salimi, A., & Davari, M. (2002). *Sociology of Deviance*. Qom, the Research Institute and the University press. (in Persian).
- Sampson, R. J., & Laub, J. H. (1993). *Crime in the making: Pathways and turning points through life*. Cambridge: Harvard University Press.
- Sampson, R. J., Raudenbush, S. W., & Felton, E. (1997). *Neighborhoods and Violent Crime: A Multilevel Study of Collective Efficacy*. *Science* 277(5328), 918-924.
- Sedigh-Sarvestani, R. (2004). *Social pathology*. Tehran, Samat press. (in Persian).
- Shamsaldini, A., & Jamini, D. (2017). Spatial analysis of crime in Iranian provinces with emphasis on theft indicators. *Journal of Geographical Engineering of the Land* 1(2):95105. (in Persian).
- Statistics Center of Iran (2011). *Statistical Yearbook of Kurdistan Province 2011*; Chapter of Human Force, Retrieved from: <http://ostan-kd.ir/Files/1/92/Salname-Amari90/index.html>.
- Statistics Center of Iran (2015). *Statistical Yearbook of the Country, Chapter of Judicial Affairs*. Tehran: President, Program and Budget Organization Press.
- Sutherland, E. H., & Cressey, D. R. (1960). *Principles of criminology*. Chicago: Lippincott.
- Vatani, A., Varvaei, A., & Fatemi M. H. (2018). Study of the nature and factors affecting the occurrence of theft. *Social order* 9(1): 127-154. (in Persian).
- Wikström, P.-O. H. (2014). Why crime happens: A situational action theory. In G. Manzo, *Analytical sociology: Actions and networks* (pp. 74-94). Sussex: Wiley.